فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره 1 ، پاییز 1391

صفحات 64-59

مدل ساختاری مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مؤثر بر میزان ریسک‌پذیری روستاییان: مطالعه کلزاکاران شهرستان کنگاور

امیرحسین علی بیگی*، دانشیار گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی

وحید علی آبادی، کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی

شهپرگراوندی، دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی

دریافت مقاله:1391/3/24 پذیرش نهایی:1391/6/1

چکیده

هدف پژوهش توصیفی- همبستگی حاضر، بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر میزان ریسک‌پذیری کشاورزان کلزاکار با استفاده از دستگاه مدل‌سازی معادلات ساختاری می‌باشد. جامعه آماری، کشاورزان کلزاکار شهرستان کنگاور بودند (N= 389) که تعداد 185 نفر از آنها با استفاده از جرسی و مورگان به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. برای انتخاب نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها با نرم‌افزارهای Spss 15 و Amos 18 نشان داد که میزان سرمایه اجتماعی و قدرت ریسک-پذیری در کشاورزان کلزاکاران در حد متوسط است. هم چنین بر اساس یافته‌ها، رابطه مثبت و معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و ریسک‌پذیری کشاورزان وجود دارد. از 8 مؤلفه وارد شده در نرم افزار Amos، متغیرهای احساس اعتماد و امنیت، بها دادن به زندگی و دوستی و روابط خانوادگی، واریانس بیشتری از میزان ریسک-پذیری کشاورزان کلزاکار را تبیین کردند.

کلمات کلیدی: سرمایه، سرمایه اجتماعی، ریسک‌پذیری، کلزاکار.

* نویسنده مسئول: 09188565101 E-mail: baygi۱@razi.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

1) مقدمه

وجود سرمایه اجتماعی در جوامع کشاورزی، یکی از عوامل کلیدی توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شود. بدون حد مطلوبی از این سرمایه، هیچ کدام از ابعاد سه گانه؛ اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی پایداری توسعه، به طور کامل تحقق پیدا نخواهد کرد. لذا توجه به این موضوع مهم در مباحث توسعه پایدار، به ویژه توسعه پایدار کشاورزی و روستایی حائز اهمیت می‌باشد. در صورتی که تا به حال، در کشور ما از سوی پژوهشگران و اندیشمندان توسعه، این موضوع مورد کم توجهی قرار گرفته است. بررسی‌های انجام شده در این راستا نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی می‌تواند به مقابله با فقر و آسیب‌پذیری کمک کند، قادر است انسان‌ها را در مواجهه با ریسک متحمل‌تر و به عبارتی توان پذیرش ریسک آنها را افزون‌تر نماید. بر این مبنا، در این پژوهش توصیفی- هم بستگی سعی شد تا ارتباط بین سرمایه اجتماعی با میزان ریسک‌پذیری در یک جامعه کشاورزی و روستایی مورد بررسی قرار گیرد و مشخص گردد که آیا میزان سرمایه اجتماعی توانسته است بر میزان ریسک‌پذیری کشاورزان تأثیر گذارد و مهمتر این که، جنبه‌های متعدد سرمایه اجتماعی مانند؛ مشارکت اجتماعی، پیوندهای دوستی و خانوادگی، پیوندهای همسایگی، پیوندهای کاری، اعتماد اجتماع، عملگرایی درموقعیت، پذیرش تفاوت‌ها و بها دادن به زندگی (سالارزاده و حسن زاده، 1385) هر یک تا چه حد بر میزان ریسک‌پذیری کشاورزان تأثیر گذار هستند؟ برای این منظور کشاورزان کلزاکار شهرستان کرمانشاه مورد مطالعه قرار گرفتند. علت انتخاب شهرستان کنگاور این بود که عمده کلزای تولیدی استان کرمانشاه توسط کشاورزان این شهرستان کاشت می‌شود و از آنجا که کاشت کلزا سابقه دیرینه‌ای در استان ندارد و می‌توان گفت برای بسیاری از کشاورزان به عنوان یک نوآوری محسوب می‌شود، لذا به نظر می‌رسد پذیرش آن توسط کشاورزان کنگاور به دلیل افزایش توان ریسک‌پذیری آنها باشد. به همین دلیل، محدوده تحقیق به کلزاکاران شهرستان کنگاور محدود شد. اهداف اختصاصی تحقیق عبارت بودند از:

- تعیین میزان سرمایه اجتماعی در بین کلزاکاران شهرستان کنگاور؛
- تعیین میزان ریسک‌پذیری در بین کلزاکاران شهرستان کنگاور؛
- شناسایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی تاثیرگذار بر میزان ریسک‌پذیری کشاورزان کلزاکار.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

2) مبانی نظری و رویکردها

در بسیاری از منابع، مفهوم"سرمایه اجتماعی"با سه عنصر اصلی و شاخص معرفی می‌شود. این عناصر در قالب گرایش‌ها و تمایلات رفتاری به اعتماد، کار گروهی و در بعد الگوهای ساختاری، به انجمن‌پذیری و مشارکت مطرح می‌شوند (Putnam, 2000 و Offe & Fuchs, 2002). "سرمایه اجتماعی" به طور کلی از دو واژه "سرمایه" و " اجتماع" تشکیل شده است. این دو کلمه نشان دهنده این است که اولاً این مفهوم ماهیتی زاینده داشته و ثانیاً فردی نیست. بنابراین می‌توان گفت: "سرمایه اجتماعی" از مجموعه هنجارها و ارزش‌های موجود در سیستم‌های فکری، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه نشأت می گیرد. این هنجارها و ارزش‌ها نیز حاصل تأثیر نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، نوع نظام سیاسی و روابط انسانی است که دارای ویژگی‌هایی از قبیل: اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کار گروهی و تیمی که از عوامل بنیادی آن به شمار می‌روند، است.

" سرمایه اجتماعی" امروزه نقش مهم‌تری را در میان سایر سرمایه‌ها مانند، سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع ایفا می‌کند. این سرمایه، انسجام بخش روابط میان انسان‌ها با سازمان‌ها و شبکه‌های ارتباط جمعی و گروهی است. در نبود آن، سایر سرمایه‌ها، اثر بخشی خود را از دست داده و پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار خواهد بود. این سرمایه، بستر مناسبی برای بهره‌برداری سرمایه‌های انسانی، فیزیکی و راهی برای موفقیت یک جامعه محسوب می‌شود (صدیق بنای، 1387). سرمایه اجتماعی به عنوان منبع مهمی جهت «کنش جمعی» تلقی می‌شود و این منبع فراتر از آگاهی و توجه یا دانش نسبت به امور عمومی اجتماعی است و شامل هنجارهای اعتماد، هنجارها و یا رفتارهای معامله متقابل که در درون شبکه‌های اجتماعی عمل می‌کنند و عناصر ساختاری شبکه‌ها و مشارکت‌های رسمی و غیررسمی می‌باشد (ناطق‌پور و فیروز آبادی، 1384). بنابراین سرمایه اجتماعی، می تواند به عنوان یک عامل موثر در افزایش و کارآیی سایر اشکال سرمایه شامل سرمایه انسانی، اقتصادی و کالبدی نقش برجسته‌ای را ایفا نماید (ذکایی و روشنفکر، 1385 و Putnam,1993).

به نقل از توسلی و موسوی (1384) اندیشه اصلی سرمایه اجتماعی این است که اطرافیان، دارایی بسیار مهمی را تشکیل می‌دهند که یک فرد می‌تواند در شرایط بحرانی، آنها را به کار گیرد، از آنها بهره گیرد و یا برای منافع مادی استفاده نماید. اجتماعاتی که از نعمت مجموعه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

گوناگونی از شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های مدنی برخوردار هستند، در یک وضعیت محکم-تری در مواجهه با فقر، آسیب‌پذیری و حل منازعات قرار دارند و بهتر می‌توانند منابع ریسک را تحت کنترل خود در بیاورند (Putnam, 1993Lin, 2001) به نقل از فلاتن و همکاران (2005) ریسک، ترکیبی از احتمالات و پیامدهای یک حادثه است.

مروری بر مطالعات صورت گرفته نمایانگر آن است فرآیند تولید محصولات کشاورزی به دلیل وابستگی آن به شرایط جوی و همچنین خصوصیات زیست شناختی این محصولات، در برگیرنده فعالیت‌هایی است که همواره با ریسک همراه است. تولید محصولات کشاورزی از جمله، محصول کلزا به عنوان یک دانه روغنی بسیار ارزشمند، به دلایل گوناگون از جمله نداشتن کنترل بر روی عوامل جوی، آفات و امراض و وضعیت بازارهای عرضه و تقاضای محصولات و نهاده‌ها با ریسک مواجه است. بنابراین ریسک جنبه مهمی از شغل زراعان کلزاکار را تشکیل می‌دهد و می‌تواند به طور گسترده‌تری بر روی فعالیت‌های کشاورزی تأثیر بگذارد، تا حدی که موجب به خطر افتادن زندگی و حرفه ی کشاورز شود (ترکمانی و کلایی، 1378). بر اساس مطالعات صورت گرفته، کشاورزانی که نسبت به سایرین ریسک‌پذیری بالاتری دارند، بهتر می‌توانند آثار منفی ریسک را کنترل کنند و از پیشامد حوادث احتمالی جلوگیری نمایند (گراوندی، 1388). در این راستا، نتایج شارپنل و داوی نشان دادند معمولاً افرادی که مالک اراضی خود هستند، اغلب قدرت ریسک‌پذیری بیشتری دارند و قادر به پاسخگوئی در برابر عامل‌های ایجادکننده ریسک از قبیل شرایط نامعین اقلیمی در تولید، موقعیت خاص روستا مانند؛ دورافتادگی، تنش‌ها و چالش‌های زندگی روستائی هستند (Sharpnel & Davie, 2000). ریسکی که کشاورزان با آن مواجه هستند ناشی از منابع بیشمار تغییر یا عدم حتمیت است که بعضی از این منابع به حرفه کشاورزی مربوط می‌شود و به غیر از کشاورزی برای حرفه دیگری وجود ندارد. این منابع عبارتند از: ریسک تولید، ریسک قیمت یا بازاریابی، ریسک مالی، ریسک قانونی، ریسک منابع انسانی و ریسک اجتماعی (بریم‌زاده، 1384). علاوه براین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین درآمد کشاورزان و ریسک‌پذیری و مدیریت آن ارتباط مستقیم وجود دارد. به طوری که، نداشتن کنترل بر میزان ریسک موجب به خطر افتادن زندگی و حرفه ی کشاورز می‌شود (Skees, 2004؛Shortreed, et al., 2003). مطالب یاد شده نشان از اهمیت ریسک‌پذیری در موفقیت شغلی و خانوادگی کشاورزان دارد. حال اگر بین سرمایه اجتماعی و ریسک‌پذیری ارتباط مستقیمی وجود داشته باشد، می‌توان با سرمایه‌گذاری و تلاش در جهت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

ارتقای سطح سرمایه اجتماعی میزان ریسک‌پذیری و قدرت مدیریت ریسک کشاورزان را افزایش داد. این مسأله‌ای است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

3) روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق جزو پژوهش‌های توصیفی- همبستگی، کاربردی محسوب می‌شود. جامعه آماری روستاییان کلزاکار شهرستان کنگاور می‌باشند که طبق آخرین آمار مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان کنگاور (خرداد 1390) تعداد آنها برابر 389 نفر بود. حجم نمونه، با استفاده از جدول جرسی و مورگان 185 نفر تعیین شد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک استفاده شد. ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه بود. سوالات پرسشنامه شامل سه بخش بود: سوالات بخش اول را ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای کشاورزان تشکیل دادند، بخش دوم شامل گویه‌هایی برای سنجش ریسک‌پذیری کشاورزان نسبت به کاشت کلزا و بخش سوم را مقیاسی برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی تشکیل داد. در بخش سرمایه اجتماعی پرسشنامه استاندارد بولن و اونیکس (سالارزاده و حسن زاده، 1385) مبنای کار قرار گرفت و متناسب با ویژگی‌های کشاورزان تعدیل و متناسب‌سازی گردید.

روایی ظاهری و محتوایی پرسشنامه، توسط برخی از مدیران سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه و اعضای هیأت علمی دانشگاه مورد تأیید قرار گرفت. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای بخش دوم و سوم ابزار، به ترتیب 0/87 و 0/86 به دست آمد. در کل 168 پرسشنامه کامل و بدون نقص تکمیل شد (نرخ پاسخگویی= 91 درصد). پس از تکمیل داده‌ها عملیات کدگذاری، استخراج اطلاعات و انتقال آنها بر روی رایانه صورت پذیرفت. پس از طی فرآیند داده‌پردازی، محاسبات آماری (توصیفی و استنباطی) با استفاده از برنامۀ SPSS15 و 18 Amos انجام شد.

4) بحث و نتایج

بر اساس یافته‌ها، 71/4 درصد کشاورزان سرمایه اجتماعی در حد متوسط دارند و به ترتیب 13/7 و 14/9 درصد از افراد پاسخگو، سرمایه اجتماعی کم و بالایی داشتند (جدول1).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول 1: توزیع فراوانی میزان سرمایه اجتماعی در بین کشاورزان کلزاکار

میزان سرمایه اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	23	13/7	13/7
متوسط	120	71/4	85/1
زیاد	25	14/9	100
جمع	168	100	

در جدول شماره 2 وضعیت موجود مولفه های مختلف سرمایه اجتماعی را نشان می دهد. این مولفه ها شامل: احساس امنیت و اعتماد، مشارکت دراجتماعات محلی، عملگرایی در بافت اجتماعی، پیوندهای همسایگی، دوستی و روابط خانوادگی، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، پیوندهای کاری و بها دادن به زندگی هستند. از بین مولفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی، میزان پیوندهای کاری و عملگرایی در بافت اجتماعی بیش از سایر مقوله ها در بین کشاورزان مورد مطالعه وجود دارد. در این بین، کمترین اولویت ها به مشارکت در اجتماع محلی و ظرفیت پذیرش تفاوت ها اختصاص یافته است.

جدول2: وضعیت موجود مولفه های شکل دهنده سرمایه اجتماعی

مولفه	اولویت	میانگین(از4)	انحراف معیار
پیوند های کاری	1	3/28	1/04
عملگرایی در بافت اجتماعی	2	3/03	0/96
پیوند های همسایگی	3	2/83	0/97
احساس امنیت و اعتماد	4	2/81	1/06
دوستی و روابط خانوادگی	5	2/8	1/03
بها دادن به زندگی	6	2/74	1/08
ظرفیت پذیرش تفاوت ها	7	2/71	1/41
مشارکت دراجتماعت محلی	8	2/7	1/06

جدول 3، وضعیت میزان ریسک پذیری کلزاکاران را نشان می دهد. بر اساس این جدول، 62/5 درصد جامعه مورد مطالعه دارای قدرت ریسک پذیری در حد متوسط می باشند و تنها 22 درصد از این جامعه از قدرت ریسک پذیری بالایی برخوردار بودند (جدول 3).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول 3: توزیع فراوانی میزان ریسک پذیری در بین کشاورزان کلزا کار

میزان ریسک پذیری	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۲۶	۱۵/۵	۱۵/۵
متوسط	۱۰۵	۶۲/۵	۷۸
زیاد	۳۷	۲۲	۱۰۰
جمع	۱۶۸	۱۰۰	

نمودار شماره (1)، آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل؛ احساس امنیت و اعتماد، دوستی و روابط خانوادگی و بها دادن به زندگی بر متغیر وابسته ی ریسک‌پذیری را نشان می دهد. از مجموع 8 متغیر سازنده‌ی سرمایه اجتماعی وارد شده در مدل، رابطه ی 3 متغیر مستقل با متغیر وابسته معنی دار شد، که در نمودار نمایش داده شده است. مقدارکای اسکور[1] بدست آمده در مدل نشان می‌دهد که بین ماتریس واریانس - کواریانس نمونه‌ای و مشاهده شده تفاوتی معناداری وجود ندارد. شاخص‌های برازش مدل NFI ، CFI و TLI به ترتیب برابر 0/94، 0/98 و 0/96 شدند که نمایانگر برازش بسیار خوب مدل می‌باشند، هم چنین مقدارRMSEA برابر 0/03 شد که کوچکتر از 0/05 می‌باشد و برازش خوبی را نشان می‌دهد، بنابراین مدل فوق تأیید شد. بر طبق مدل استخراج شده بین دوستی و روابط خانوادگی با میزان ریسک‌پذیری رابطه‌ای مستقیم وجود دارد(r=0/09). به نظر می‌رسد زارعانی که از روابط خانوادگی مناسبی با همسایگان و خویشاوندان خود برخوردار هستند، بهتر می‌توانند در هنگام وقوع ریسک از آنها کمک بگیرند. همین امر زمینه را برای ریسک‌پذیری بیشتر آنها نسبت به سایرین فراهم می‌آورد. دومین متغیر مستقل، متغیر احساس امنیت و اعتماد است که این متغیر نیز با متغیر وابسته رابطه مستقیم (r=0/33) دارد. در این زمینه می‌توان چنین اظهار نمود، که هر چه کشاورز احساس امنیت و اعتماد بیشتری در مقابل سایرین داشته باشد می-تواند با قدرت بیشتری ریسک کند و ریسک پذیرتر شود. آخرین متغیری که دارای اثر مستقیم بر متغیر وابسته است، متغیر بها دادن به زندگی می‌باشد بین این دو متغیر رابطه مثبت وجود دارد(r=0/05). در این زمینه، می‌توان چنین استنباط نمود که هر چقدر کشاورزان بهای بیشتری برای زندگی خود قایل باشند به همان اندازه سعی در کنترل ریسک‌ها دارند و منجر به

[1]. Chi-square

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

افزایش احساس امنیت و اعتماد در زندگی خود خواهند شد و به طور غیر مستقیم ریسک-پذیری خود را افزایش خواهند داد (r=0/31). در بین متغیرهای مستقل، بها دادن به زندگی دارای کمترین جمله خطا (0/09) می‌باشد.

نمودار 1: بررسی رابطه ریسک‌پذیری مؤلفه‌های سازنده سرمایه اجتماعی

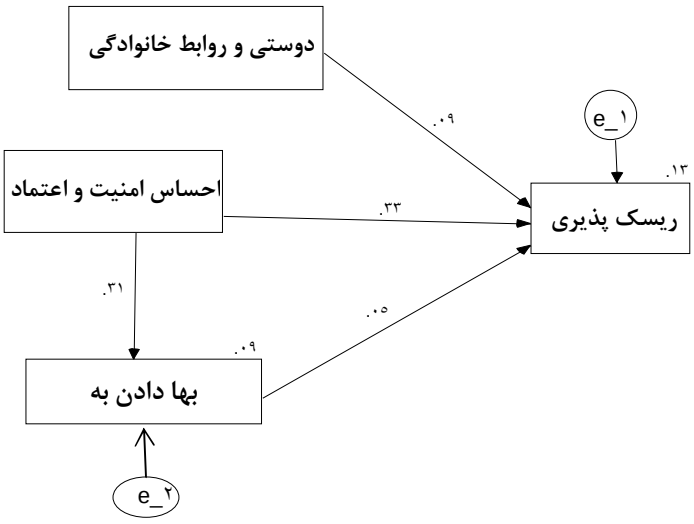

Chi-square=2/41, df= 2, NFI=.94, CFI=.98, TLI=.96, RMSEA=.03

5) نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج معلوم گردید که میزان سرمایه اجتماعی در بین روستاییان کلزاکار شهرستان کنگاور در حد متوسط می‌باشد. پیوندهای کاری و عملگرایی در بافت اجتماعی در بین کشاورزان زیادتر از بقیه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بود. ولی میزان مشارکت آنها در اجتماعات محلی پایین برآورد گردید. این امر نشان از روحیه جمع‌گرایی نه چندان بالای کشاورزان مورد بررسی دارد که می‌تواند در عدم توفیق تشکل‌ها و تعاونی‌های کشاورزی مؤثر باشد. به هر حال سرمایه اجتماعی که عامل بهره‌وری سرمایه‌های فیزیکی و انسانی است در جامعه کشاورزی مورد بررسی آن چنان که باید، دارای جایگاه نیست و ارتقای آن به منظور موفقیت طرح‌های توسعه کشاورزی از اولویت بالایی برخوردار است. بر مسئولان و توسعه گران کشاورزی ضروری است تا در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه سرمایه اجتماعی در جامعه مورد نظر تحقیق اهتمام نمایند.

یافته‌ها نشان داد که سرمایه اجتماعی با ریسک‌پذیری ارتباط مثبت و معنی‌دار دارد. این یافته قابل توجه است. این ارتباط بیان می‌کند که هرچه سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، قدرت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

ریسک‌پذیری کشاورزان افزایش می‌یابد. از آن جایی که ریسک‌پذیری معقولانه و منطقی و حساب شده کشاورزان از ملزومات گذار به سوی کشاورزی توسعه یافته است، بنابراین مؤکداً بر ارتقای سرمایه اجتماعی به منظور افزایش توان ریسک‌پذیری کشاورزان توصیه می‌شود.

سه مؤلفه مهم سرمایه اجتماعی شامل احساس اعتماد و امنیت، بها دادن به زندگی و دوستی و روابط خانوادگی از عوامل موثر و پیش بینی کننده میزان ریسک‌پذیری کشاورزان کلزاکار شناخته شدند. به این ترتیب می توان گفت هرچه احساس اعتماد به اطرافیان و نهادهای دولتی پیرامون بیشتر باشد، و هم چنین هر چقدر کشاورزان برای زندگی بها و ارزش بیشتری قایل باشند و همین طور هر قدر روابط دوستی و خانوادگی مستحکم‌تر باشد، کشاورز از توان و قدرت ریسک‌پذیری بیشتری برخوردار است و با آرامش بیشتر می‌تواند ریسک معقولانه انجام داده و موفقیت بیشتری را برای کسب و کار خودش رقم بزند. لذا تقویت موارد مذکور به ویژه افزایش احساس امنیت و اعتماد در جامعه روستایی به طور جدی پیشنهاد می-شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

6) منابع

- بریم‌زاده، و.، (1384)، **مدیریت ریسک در کشاورزی**، نشر آموزش کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
- ترکمانی، ج. و ع. کلایی، (1378)، **تاثیر ریسک بر الگوی بهینه‌برداران کشاورزی مقایسه روش های برنامه‌ریزی توأم با ریسک موتاد و تارگت موتاد**، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، (25)، 26-7.
- توسلی، غ. و م. موسوی، (1384)، م**فهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی**، فصلنامه علوم اجتماعی، (26)، 32- 1.
- ذکایی، م. س. و پ. روشنفکر، (1385)، را**بطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محلات شهری**، فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، 32، 45-38.
- رستمی، ف.، ح. شبانعلی فمی، ح. موحد محمدی و هـ.ایروانی، (1385)، **مدیریت تولید گندم در نظام بهره‌برداری خانوادگی(مطالعه موردی شهرستان هرسین)**، مجله علوم کشاورزی ایران(ویژه اقتصاد و توسعه کشاورزی)، 1، 11-1.
- سالارزاده، ن. و د. حسن‌زاده، (1385)، **بررسی تاثیر میزان سرمایه اجتماعی بر رضایت شغلی معلمان**، فصلنامه علوم اجتماعی، 33، 45-39.
- صدیق بنای، هـ.، (1387)، **رسانه‌های جمعی و سرمایه اجتماعی**، مجله آفتاب، تهران.
- گراوندی، ش.، (1388)، **واکاوی راهبردهای مدیریت ریسک در بین کشاورزان ذرت‌کار شهرستان کرمانشاه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، دانشکده پردیس کشاورزی و منابع طبیعی.
- ناطق‌پور، م. ج. و س. الف. فیروزآبادی، (1384)، **شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و فراتحلیل عوامل مؤثر بر آن**، فصلنامه علوم اجتماعی، 28، 175- 160.
- Floten, O., G. Lien, M. Koesling. P. S. Valle, & M. Ebbesvik., (2005), **Comparing risk perception & inorganic & conventional dairy farming: empirical results from Norway**, UK, Sage.
- Lin, N., (2001), **Building a Network Theory of Social Capital, connections**, vol. 22, No 1, pp. 28-51.
- Offe, C. &S. Fuchs, (2002), **A decline of Social Capital ? The German Case**, Published in Putnam, Robert D (2002) Democracy in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society, New York: Oxford University Press.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- Putnam, R., (2000), **Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community**, Simon and Schuster, New York.
- Putnam, R., (1993), **Social capital Measurement and Consequences**، USA: USDA.
- Sharpnel, M. & J. Davie, (2000), **The influence of personality in determining farmer responsiveness to risk**. School of Natural and Rural systemd Management, University of Queensland.
- Shortreed, J., J. Hicks, & L. Craig., (2003), **Basic frame work for risk management**, The Ontario ministry of the environment/ Network for Environmental risk assessment and management (NERM), No 7, pp 74
- Skees, J. R., (2004), **Risk management challenges in rural financial market: Blending risk management Innovation with rural finance**. An International Conference on Best practices, Washington, DC, June 2-4, 132-145.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]